

سازوکارهای تحقق تصویر آینده ایران در راستای اهداف نقشه راه تمدنی

اشاره:

حضرت **آیت‌الله‌العظمی** خامنه‌ای، در ۲۸ بهمن ۱۴۰۰ و در فرمایشات خود عنوان داشتند: «**هدف‌های انقلاب… یعنی پیشرفت کشور، عدالت اجتماعی در کشور، اقتدار کشور، تشکیل جامعه اسلامی در کشور و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی؛ هدف‌های انقلاب اینها است.** باید دید برای رسیدن به این هدف‌ها، برای رسیدن به عدالت اجتماعی، برای رسیدن به پیشرفت واقعی کشور – نه پیشرفت‌های پوشالی و اَدعائی: پیشرفت‌های همه‌جانبه، مادی و معنوی – و برای رسیدن به جامعه اسلامی که احکام اسلام به معنای واقعی در آن پیاده بشود و مردم پیرهمند بشوند از تحقق این احکام و در نهایت برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، چه کارهایی لازم است، آن کارها را در حد توانمان انجام بدهیم!».

رسانه KHAMENEI.IR در مجموعه‌ای از یادداشت‌ها به قلم محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور شهید سید ابراهیم رئیسی و مشاور و دستیار رهبری، به بررسی الزامات حکمرانی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی پرداخته است. در نخستین یادداشت، موضوع «حکمرانی آینده‌نگر برای پیشرفت کشور» مطرح شد و در دومین یادداشت، «فرآیند تحقق تصویر آینده ایران در راستای اهداف نقشه راه تمدنی» مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در مسیر بازتعریف الگوهای حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان فرآیند تصویرسازی راهبردی آینده کشور را در چارچوب گفتمان کارآمدی که مطابق با نقشه راه تمدنی ایران اسلامی تدوین شده است، از سطح ذهنی و نمادین، به مرحله عینی و قابل پیاده‌سازی سوق داد؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم ورود به یک چارچوب تحلیلی است که سه ساخت اصلی را دربر می‌گیرد: منطبق تحقق تصویرسازی، زیرساخت‌های دانشی و فناوریانه آن و نهایتاً سازوکارهای نهادی و اجرایی تحقق این تصویر. این سه حوزه، اگر در قالبی هدفمند و مسئله‌محور به هم متصل شوند، می‌توانند آینده‌نگری را از سطح انتزاعی به سطح عملیاتی و عینی ارتقا دهند. در گام نخست، باید تصویرسازی را یک چرخه چندمرحله‌ای و قابل‌سنجش در نظر گرفت. این چرخه در ساده‌ترین تحلیل خود می‌تواند شامل پنج مؤلفه راهبردی باشد:

- شناسایی و تحلیل روندها، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها،
- سناریونویسی تطبیقی،
- آینده‌نگاری مشارکتی،
- طراحی مدل مطلوب،
- برنامه‌ریزی گام‌های معکوس.



شناسایی و تحلیل روندها، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها

در مرحله شناسایی و تحلیل روندها، رویکرد اصلی باید مبتنی بر این اصل باشد که هیچ آینده‌ای بدون شناخت دقیق از پیشران‌های شکل‌دهنده آن و عدم‌قطعیت‌های کلیدی، قابل تصور نیست، به همین منظور، روندهای کلان جهانی، منطقه‌ای و ملی باید با استفاده از ابزارهای نوین تحلیل کلان‌داده‌ها، مدل‌سازی‌های سیاستی و همین‌طور به‌کارگیری هوش مصنوعی به‌دقت رصد شوند. حوزه‌هایی نظیر گذار انرژی، حکمرانی پلتفرمی، زیست‌فناوری، علوم شناختی، تحولات ژئوپلیتیکی، تغییرات اقلیمی و تکامل سبک زندگی اجتماعی از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که در این تحلیل باید مورد توجه قرار گیرند.

سار نیویسی تطبیقی

گام دوم، مرحله سناریونویسی تطبیقی است. این مرحله، درواقع پاسخ‌های احتمالی جمهوری اسلامی به اقتضانات دنیای عدم قطعیت، تغییرات سریع و بحران خیز خواهد بود. سناریونویسی در این چارچوب، به معنای طراحی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است؛ آینده‌هایی که باید با استفاده از ابزارهایی مانند شبیه‌سازی سیستمی، تحلیل پویایی سیاست‌ها و آینده‌پژوهی ساختاری، طراحی و ارزیابی شوند. درواقع این سناریوها، ابزار آماده‌سازی ساختار حکمرانی برای مواجهه با آینده‌های مختلف محسوب می‌شوند.

آینده‌نگاری مشارکتی

گام سوم مبتنی بر اصل آینده‌نگاری مشارکتی است. به‌عبارت دیگر، آینده در میدان گفت‌وگوی تعاملی میان نخبگان، دانشگاهیان، بخش خصوصی، فعالان فرهنگی، جوانان و حلقه‌های میانی ساخته می‌شود. تحقق این هدف، نیازمند بهره‌گیری از سکوهاي دیجیتال مشورتی، شورا‌های سناریونویسی بین‌رشته‌ای، کارگاه‌های آینده‌نگاری و بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های علمی کشور است. این مدل، زمینه‌ساز شکل‌گیری سواد راهبردی عمومی در سطح جامعه خواهد شد.

طراحی مدل مطلوب

مرحله چهارم، طراحی مدل مطلوب آینده است؛ مدلی که باید کاملاً بومی، متکی بر گفتمان انقلاب اسلامی، مبتنی بر فناوری‌های نوین و درعین‌حال مشارکت‌پذیر و پایدار باشد. در این مدل، تصویر آینده ایران باید در قالب پنج لایه مهم‌افزا که بارها توسط رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته‌اند، طراحی و صورت‌بندی شود:

- در لایه سیاستی، تصویری از نظام حکمرانی مردم‌پایه، عدالت‌محور و پاسخگو؛
- در لایه فرهنگی، جامعه‌ای مؤمن، اخلاق‌مدار، هویت‌محور و تمدن‌ساز؛
- در لایه اقتصادی، ساختاری دانش‌بنیان، هوشمند، مقاوم و مبتنی بر مزیت‌های بومی؛
- در لایه فناوریانه، زیست‌بومی از نوآوری فناوریانه در پیوند با دانشگاه، صنعت و دولت؛
- در لایه بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یک بازیگر تمدنی و الهام‌بخش در نظم نوین جهانی.

برنامه‌ریزی گام‌های معکوس

پنجمین گام در این چرخه، برنامه‌ریزی گام‌های معکوس است، رویکردی که برخلاف منطق سنتی برنامه‌ریزی از وضع موجود به سمت آینده، حرکت خود را از آینده مطلوب آغاز کرده و با طراحی معکوس، گام‌های لازم برای رسیدن به آن را مهندسی می‌کند. این رویکرد، موجب شفاف شدن مقصد، تسهیل اولویت‌بندی و دقت در طراحی مداخلات سیاستی خواهد شد. به نظر می‌رسد که تحقق این چرخه پیش از هر چیز نیازمند شکل‌گیری سازوکارهای نهادی و ساختاری جدید در منظومه حکمرانی جمهوری اسلامی است. یک از ابزار این مفهومی، به سطح نخستین الزام در این راستا، ارتقای جایگاه «تصور آینده» از یک ابزار مفهومی، به سطح زبان تصمیم‌سازی حکمرانی است. این یعنی، تصویر راهبردی آینده باید به پیوست تمامی سیاست‌های کلان کشور تبدیل شود؛ خواه این سیاست‌ها در حوزه آموزش‌وپروورش باشد، خواه در زمینه حکمرانی پلتفرمی، توسعه شهری، انرژی، کشاورزی و یا حکمرانی منطقه‌ای. در واقع، طراحی تصویر آینده، به عنوان یک بسته سیاستی پیشینی، باید به منطق هماهنگی میان نهادهای حاکمیتی، سیاست‌گذاران، جامعه تحصیلاتی و مردم تبدیل شود؛ لذا بسته‌های سیاستی حتماً باید دارای پیوست آینده‌نگارانه باشند.

باید تلاش کرد تا از طریق کمک به فرآیندهای نهادسازی هوشمند، زمینه پیوند مستمر میان سناریوهای آینده، نهادهای اجرایی، مراکز دانشی، حلقه‌های واسط و بدنه مردمی فراهم شود. باید توجه داشت که گفتمان کارآمدی، مبتنی بر تولید آینده است؛ آینده‌ای که از مسیر آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و فناوری‌محور پدید می‌آید.

در این مسیر، طراحی ساختارهای چابک، حلقه‌های مشورتی نخبگانی، شبکه‌های تصمیم‌سازی داده‌محور و نهادهای پشتیبان اندیشه‌ورز، از جمله الزامات نهاده‌بنی‌ساری آینده‌نگری در ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌روند؛ لذا با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که تحقق تصویر آینده، به‌عنوان یک پروژه آمویشی موقت، بلکه یک فرآیند تمدنی مداوم است؛ فرآیندی که در آن، جمهوری اسلامی ایران همچون یک بازیگر فعال و پویا در عرصه طراحی آینده، توان آن را می‌یابد تا با اتکا بر ظرفیت‌های داخلی خود اعم از: سرمایه انسانی، قدرت نرم، فناوری‌های نو، منطق حکمت اسلامی و پیوند مستمر با مردم، تصویری امیدآفرین و قابل تحقق از فردای خود ارائه دهد. این تصویر، می‌تواند مبنای ایجاد اجماع نخبگانی، تقویت سرمایه‌های اجتماعی، ارتقای اعتماد عمومی و مهم‌تر از همه، تسهیل‌گذار جمهوری اسلامی به مرحله تمدن‌سازی باشد.

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

جهان آینده؛ ضرورت نگاه چندبُعدی (بخش هفتم)

آینده اطلاعات؛

داده به مثابه سرمایه

محمود جواد نجفی، عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

آینده سیاست داده
جهان آینده به‌تدریج به سمت «جنگ داده‌ها» حرکت خواهد کرد؛ جایی که کشورها برای مالکیت داده، تدوین و اعمال قوانین حاکمیت‌داده (Data Sovereignty) و کنترل بر جریان اطلاعات جهانی وارد رقابتی فشرده و راهبردی می‌شوند.
در اِین فضا، داده نه‌تنها منبعی اقتصادی، بلکه عنصری تعیین‌کننده در امنیت ملی و موازنه قدرت خواهد بود و دولت‌ها می‌کوشند با ایجاد زیرساخت‌ها و چارچوب‌های حقوقی مستقل، از وابستگی اطلاعاتی به دیگران بکاهند و کنترل بیشتری بر دارایی‌های دیجیتال خود به دست آورند.

در چنین چشم‌اندازی، سناریوهای محتمل متعددی شکل می‌گیرد؛ از ظهور جهانی چندقطبی در حوزه داده که در آن هر بلوک قدرت مانند آمریکا، چین و اروپا به‌دنبال ساخت اکوسیستم داده‌ای مستقل است، تا گسترش جنگ‌های سایبری مبتنی بر داده که در آن حمله به مراکز داده و زیرساخت‌های اطلاعاتی، اهمیتی هم‌تراز حمله به پالایشگاه‌ها یا نیروگاه‌ها پیدا می‌کند. هم‌زمان، شکل‌گیری بازار جهانی داده نیز دور از انتظار نیست؛ بازاری که در آن داده به کالایی قابل خرید و فروش بدل می‌شود و به‌تدریج قوانین و رژیم‌های حقوقی جدیدی برای تجارت جهانی داده پدید می‌آید و نظم اقتصادی و سیاسی تازه‌ای را رقم می‌زند.

بُعد اجتماعی و انسانی

فراتر از سیاست و اقتصاد، داده‌ها به‌تدریج زندگی روزمره انسان‌ها را دگرگون می‌کنند و به بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست اجتماعی آن‌ها بدل می‌شوند. هویت دیجیتال هر فرد، که از مجموعه‌ای از داده‌های رفتاری، ارتباطی و حرفه‌ای شکل می‌گیرد، به‌مرور در کنار هویت واقعی او معنا پیدا می‌کند و حتی در بسیاری از موقعیت‌ها تعیین‌کننده‌تر می‌شود. در همین مسیر، الگوریتم‌ها نقش پررنگ‌تری در روابط انسانی ایفا خواهند کرد و از آموزش و مسیر شغلی گرفته تا معاملات اجتماعی و حتی انتخاب شریک زندگی، بیش

که با حضور ۱۸ هیئت عالی‌رتبه از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای و مجموعه‌ای از سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای به میزبانی نیروی زمینی سپاه در شهرستان شبستر برگزار شد. در این رزمایش، ده کشور عضو سازمان همکاری شانگهای– شامل ایران،

اشاره: طی هفته‌های اخیر آمریکا، رژیم اسرائیل و برخی گروه‌های تروریستی تلاش کرده‌اند سطح تنش‌ها و فشار روانی را افزایش دهند. نیروهای مسلح ایران با رصد دقیق، اشراف اطلاعاتی و بر برگزاری رزمایش‌های هدفمند، نشان داده‌اند که برای هر گونه تهدید احتمالی آمادگی کامل دارند. از حضور پنهان نیروهای آمریکایی در اربیل تا تحرکات گروه‌های تروریستی و ادعاهای سیاسی امارات، مجموعه فعالیت‌های نظامی و امنیتی ایران بیانگر رویکردی فعالانه برای حفظ ثبات و جلوگیری از هر گونه اقدام مخاطره‌آمیز است

شمشیر تیز نیروهای مسلح ایران

در کمین هر خطای دشمن

مرتضی روح الهی



رزمایش شهید ناظری در خلیج فارس
در حوزه دریایی، رزمایش «شهید ناظری» در تاجیکستان، ازبکستان و بلاروس– مشارکت داشتند. این سطح از مشارکت نشان‌دهنده جایگاه فرایند ایران در حفظات از تمامی اراضی و آب‌های خود مهم است و هرگونه اقدام خصمانه دریایی را در نطفه مهیا می‌کند. به‌کارگیری موشک‌های جدید، افزایش توان داخلی و تجهیزاتی در حفاظت از جسان نیروهای

سپاه، پیام مهمی برای دشمنان ارسال کرد. در اربیل تا تهدیدات رژیم صهیونیستی، از تحرکات جیش‌الظلم تا بیانیه‌های امارات درباره جزایر سه‌گانه، و از فشارهای روانی تا تلاش‌های تروریستی که با واکنش مقتدرانه نیروهای مسلح مواجه شده است، روشن شد که جمهوری اسلامی نه‌تنها غافلگیر نمی‌شود، بلکه برای هرگونه اقدام خصمانه آماده و مجهز است. این مجموعه تحرکات دشمنان نشان داد که هر تلاش برای ایجاد آشفتگی یا تهدید امنیت ملی، با واکنش سریع و هوشمندانه مواجه خواهد شد و هیچ نقطه ضعیفی برای بهره‌برداری از آنها باقی نخواهد ماند.

پیام این تحولات به تمامی دشمنان آشکار است؛ ایران بیدار، هوشیار و مصمم است و اجازه نخواهد داد هیچ قدرتی امنیت ملی و آرامش داخلی آن را به نامی در سیستم و بلوچستان شده و اجازه ندهد این گروه‌ها با تالار برای ترور بزرگان اهل ست، کشتار مردم یا ایجاد تفرقه، اهداف شوم خود را پیش ببرند. **همکاری منطقه‌ای و پیام اقتدار ایران**
اما یکی از نقاط اوج نمایش آمادگی ایران، برگزاری رزمایش سه‌هند – ۲۰۲۵ است؛ رزمایشی

در سطحی دیگر، مسئله امنیت سایبری به یکی از نقاط آسیب‌پذیر جدی تبدیل شده است؛ زیرا اثبات روزمره مردم را در اختیار گرفته‌اند و عملاً بر جریان اطلاعات، رفتار کاربران و حتی الگوهای تصمیم‌گیری آن‌ها اثر می‌گذارند. این وضعیت، نظم اقتصادی نوینی را شکل می‌دهد که در آن مزیت رقابتی نه بر پایه نوآوری همگانی، بلکه بر اثبات انحصاری داده استوار است و میدان رقابت را به سود بازیگران محدود و به زیان سایرین تنگ می‌کند.

در همین چارچوب، این تمرکز صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست و ابعاد سیاسی و راهبردی جدی دارد؛ زیرا کشورهایی که دسترسی مستقیم و مستقل به

این داده‌ها ندارند، به مصرف‌کنندگان صرف فناوری و خدمات دیجیتال تبدیل می‌شوند. چنین وابستگی‌ای به‌تدریج قدرت تصمیم‌سازی مستقل را تضعیف کرده و امکان اعمال نفوذ بیرونی بر افکار عمومی، سیاست‌گذاری‌ها و حتی امنیت ملی را فراهم می‌کند؛ روندی که شکاف میان دارندگان داده و محرومان از آن را به یکی از خطوط اصلی تقابل در جهان آینده بدل می‌سازد.

تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها

در کنار فرصت‌ها، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های جدی نیز در حوزه داده پدیدار شده است که نادیده‌گرفتن آن‌ها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد. نقض حریم خصوصی یکی از اصلی‌ترین این مخاطرات است؛ جایی که بدون وجود چارچوب‌های حقوقی دقیق و شفاف، داده‌های شخصی شهروندان به‌راحتی می‌تواند به ابزاری برای کنترل، پایش دائمی یا سوءاستفاده‌های اقتصادی و سیاسی بدل شود. هم‌زمان، داده‌های رفتاری و اجتماعی بستری مناسب برای مهندسی اجتماعی و جنگ اطلاعاتی فراهم می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که از طریق تحلیل و بهره‌برداری هدفمند از این داده‌ها، امکان تأثیرگذاری بر انتخابات، جهت‌دهی به افکار عمومی و حتی تخریب روابط اجتماعی فراهم می‌شود.



زمینه فعالیت‌های خرابکارانه احتمالی بوده است. این حرکت، نمونه‌ای آشکار از تلاش آمریکا برای نزدیک‌تر شدن به مرزهای ایران و گسترش توان عملیاتی نیابتی و مستقیم خود در منطقه است.

با این حال، این تلاش با هوشیاری کامل ایران مواجه شد و حضور این نیروها از همان ابتدا تحت نظارت دقیق قرار گرفت. توان اطلاعاتی و عملیاتی نیروهای مسلح ایران، امکان شناسایی تحرکات پنهانی و ارزیابی دقیق اهداف احتمالی را فراهم کرد و عملاً برنامه‌ریزی‌های آمریکا برای ایجاد پایگاه‌های مخفی و اقدامات خرابکارانه احتمالی را با محدودیت جدی روبه‌رو ساخت. این رخداد، بار دیگر نشان داد که هرگونه تحرک خصمانه در مرزها و مناطق پیرامونی، حتی با اقدامات مخفیانه، از دید ایران پنهان نخواهد ماند و پاسخ مقتدرانه و بموقع را به همراه خواهد داشت.

فشار روانی رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۲روزه

رژیم صهیونیستی نیز پس از جنگ ۱۲روزه اخیر، با تشدید تهدیدات، اعلام آماده‌باش‌های ساختگی و القای فضای حمله قریب‌الوقوع، تلاش کرد زندگی روزمره مردم ایران را مختل کند و فشار روانی مضاعفی بر جامعه وارد سازد. این راهبرد، بیش از هر چیز به منظور ایجاد آشفتگی و القای حس ناامنی طراحی شده بود و نشان‌دهنده تکیه این رژیم بر حربه‌های روانی به جای اقدامات واقعی و راهبردی است.

بخشی از این تلاش‌ها برای پوشاندن بحران‌های داخلی رژیم و ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی آن صورت می‌گیرد و بخش دیگر آن با هدف بازپس‌گیری بازدارندگی از دست‌رفته و القای این تصور است که رژیم صهیونیستی هنوز می‌تواند فشار و تهدیدات خود را به ایران تحمیل کند. با این حال، هوشیاری نیروهای امنیتی و نظامی ایران و آمادگی کامل جامعه، عملاً این تلاش‌ها را ناکام گذاشته و نشان می‌دهد که هرگونه بازی روانی و تهدید نمایشی، به آسانی نمی‌تواند اراده ملی و امنیت داخلی کشور را تضعیف کند.

همکاری جیش‌الظلم با دیگر گروه‌های تروریستی

در چپه دیگری از تهدیدات، گروهک تروریستی جیش‌الظلم با برخی گروه‌های تروریستی مستقر در مناطق مرزی پاکستان وارد توافق‌های جدید برای

اشاره اگر در قرون گذشته زمین، طلا و سپس نفت پایه‌های اصلی ثروت بودند، امروز و در آینده نزدیک، داده به مهم‌ترین سرمایه جهانی تبدیل خواهد شد. جهان آینده را نه فقط کشورهایی با ارتش قوی یا منابع طبیعی غنی، بلکه کشورهایی هدایت خواهند کرد که مالکیت و کنترل داده‌ها را در اختیار دارند. در این نوبت به بررسی اهمیت داده، تهدیدها و فرصت‌های آن، و پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی آن برای آینده می‌پردازیم.

داده: نفت نخت بیستویکم

اصطلاح «داده نفت جدید است» صرفاً یک استعاره نیست، بلکه توصیفی دقیق از جایگاه داده در جهان دیجیتال امروز است؛ جهانی که در آن داده‌ها به خوراک اصلی هوش مصنوعی و الگوریتم‌های تصمیم‌سازی بدل شده‌اند و بدون اثبات و پردازش آن‌ها، هیچ سامانه هوشمند یا ساختار پیشینی‌گری قادر به عمل نیست. داده‌های سلامت، مالی و آموزشی نه‌تنها امکان تحلیل و مدیریت جامع را فراهم می‌کنند، بلکه خود به پایه شکل‌گیری اقتصادهای نوین و زنجیره‌های جدید ارزش تبدیل شده‌اند؛ اقتصادهایی که دیگر بر منابع طبیعی کلاسیک تکیه ندارند و محور آن‌ها اطلاعات، تحلیل و پیش‌بینی است.

در همین چارچوب، داده‌های رفتاری و اجتماعی نقشی فراتر از کارکرد اقتصادی یافته و به ابزار مهندسی افکار عمومی و تغییر رفتار جوامع تبدیل شده‌اند. از این منظر، مالکیت داده و توان پردازش و تحلیل آن، قدرتی فراتر از سلاح‌های سنتی در اختیار کشورها و شرکت‌ها قرار می‌دهد؛ قدرتی که می‌تواند جهت تصمیم‌گیری‌ها، الگوهای مصرف، انتخاب‌های سیاسی و حتی سبک زندگی ملت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و موازنه قدرت جهانی را بدون شلیک حتی یک گلوله جابجا کند.

اثبات و تمرکز داده

بزرگ‌ترین چالش جهان آینده، تمرکز عظیم داده‌ها در دست تعداد محدودی از شرکت‌ها و دولت‌هاست؛

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، روند تحولات منطقه‌ای و تحرکات پنهان و آشکار دشمنان، فضای امنیتی پیرامون ایران را وارد برحله‌ای تازه کرده است؛ مرحله‌ای که در آن، ایالات‌متحده، رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی وابسته به آنها تلاش دارند